

تهیه کننده: آذریوند دبیر دوره اول
متوسطه شهرستان مراغه

درس چهارم

عمور آسان

هدف کلی: آشنایی با اعمالی که
موجب آسانی مرگ و زندگی در دنیا
و آخرت می شود.

مردی از ابوذر پرسید: چرا ما از مرگ می ترسیم؟

ابوذر جواب داد پاسخ ابوذر در مورد اینکه چرا از مرگ می ترسیم چه بود؟
(زیرا شما دنیایتان را آباد کرده اید و آخرتتان را خراب و ویران، و معلوم است که دوست ندارید از آبادانی
به ویرانی بروید.)

فعالیت کلامی

آیا تاکنون به مرگ فکر کرده اید؟ به نظر شما چرا از شهدا همواره با افتخار
یاد می شود؟ گاهی اوقات؛ زیرا آنها با هدف و ایمان والا، جان
عزیز خود را در راه حفظ اسلام، آسایش و آرامش دیگران فدا کرده اند.

www.my-dars.ir

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۸.

عده‌ای از روبه‌رو شدن با مرگ وحشت دارند، عده دیگری هم مرگ برایشان مانند رفتن به مراسم اهدای جایزه است. حال علت این تفاوت چیست؟

ما در این درس به بررسی کارهایی می‌پردازیم که انجام آنها موجب آسانی زندگی در دنیا و آخرت

می‌شود:

سه نمونه از کارهایی را نام ببرید که موجب آسانی زندگی در دنیا و آخرت می‌شود.

۱- نیکی به پدر و مادر

«مداوا دیگر فایده‌ای ندارد! بیماری آن قدر پیش رفته است که امیدی به بهبودی نیست.»

هنوز این جملات طبیب، تمام نشده بود که جوان دوباره به هوش آمد:

«نه! نه!... کمک! کمک کنید!... شما را به خدا نجاتم دهید...»

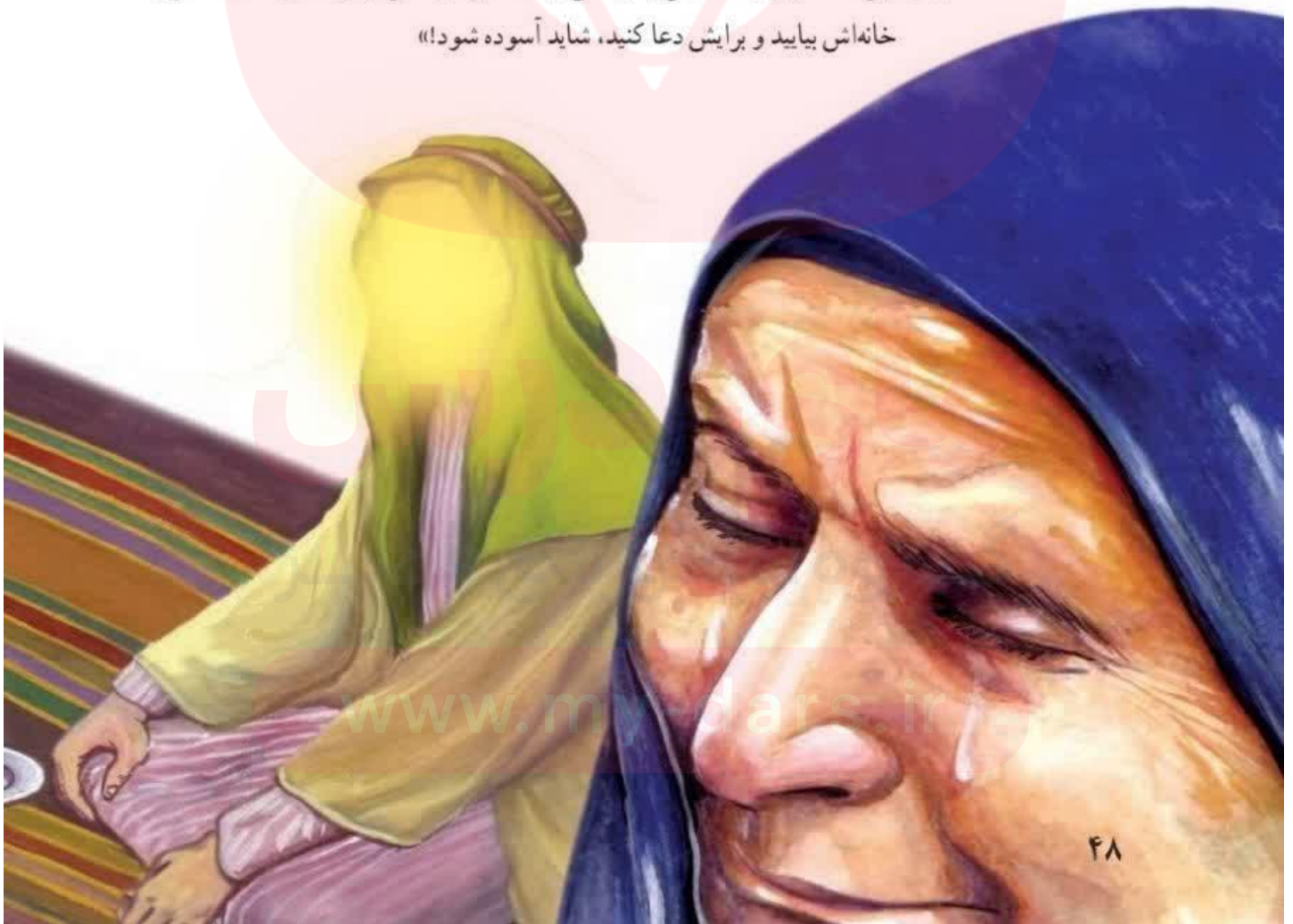
با وحشت به اطرافش نگاه می‌کرد و فریاد می‌کشید. این چندمین بار بود که تا به هوش می‌آمد با التماس

کمک می‌خواست. گویا در این لحظات پیش از مرگ، چیزهایی را می‌دید که نمی‌توانست آنها را به زبان بیاورد

و این بار هم پس از مدت کوتاهی دوباره از شدت ترس بیهوش شد...

«یا رسول الله، جوان مسلمانی با وضعی رقت‌انگیز در حال جان دادن است. اگر به

خانه‌اش بیایید و برایش دعا کنید، شاید آسوده شود!»



پیام آور رحمت و مهربانی به خانه جوان آمد. جوان به هوش آمد و تا چشمش به چهره نورانی و مهربان پیامبر اکرم افتاد، با التماس و گریه گفت: ای رسول خدا، کمک کن! باز هم آن دو موجود وحشتناک می آیند. آنها می خواهند مرا با خود به دوزخ ببرند. می دانم زمان مرگم فرا رسیده است، به فریادم برس و مرا از دست آنها رها کن. خواهش می کنم...
و دوباره بیهوش شد.

رسول خدا رو به مادر آن جوان کرد و فرمود:

— از بسرت ناراضی هستی، همین طور است؟

بغض مادر ترکید و با صدای بلند شروع به گریه کرد:

— ای رسول خدا، من برای بزرگ کردن پسرم خیلی زحمت کشیدم و رنج بردم. چه شب ها که بیدار ماندم تا او بخوابد. خود گرسنه می ماندم و غذایم را به او می دادم. با این همه وقتی به سن جوانی رسید زحمت های مرا یکسره فراموش کرد و با پرخاش و تندگی با من سخن گفت و احترامم را نگه نداشت. حتی گاهی هم زبان به دشنام می گشود. ای پیامبر خدا، او دلم را شکسته است و من نیز از او به خدا شکایت کرده ام.
رسول خدا فرمود: از او راضی شو.



مادر رنج دیده نگاه ترحم آمیزی به فرزندش افکند و گفت: خدایا، به خاطر پیامبر گرامی تو فرزندم را بخشیدم، تو هم او را ببخش.
چه چیزی باعث شد جوان بخشیده شود و راحت به استقبال مرگ برود؟
پیامبر نیز برای جوان از خدا طلب آمرزش کرد.

(دعای پیامبر و رضایت مادر) کار خود را کرد. جوان در آخرین لحظه های عمرش دوباره چشمش را باز کرد و با تبسم گفت: یا رسول الله، آن دو موجود ترسناک رفتند و حالا دو فرشته زیبا و خندان به سوی من می آیند. سپس به یگانگی خدا و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله گواهی داد و با لبخند، برای همیشه چشمانش را بست.
امام صادق علیه السلام درباره پیوند خویشان و نیکی به پدر و مادر چه می فرماید:

(هر کس پیوند خود را با بستگانش محکم کند و با پدر و مادرش بسیار خوش رفتار و مهربان باشد، دشواری های مرگ بر او آسان می شود و در دنیا نیز هرگز فقیر و تهی دست نمی شود.)

فعالیت کلاسی

ما چگونه می توانیم پدر و مادرمان را از خود راضی نگه داریم؟
درباره این پرسش در کلاس گفت و گو کنید و نتیجه را با پدر و مادر خود در میان بگذارید.
یاری و کمک به آنها، انجام خواسته های به حقشان و احترام به آنها.

۲- صدقه دادن

«در شبی سرد امام سجاد علیه السلام را دیدم که کیسه ای از گندم بر پشت خود حمل می کرد.
گفتم ای فرزند رسول خدا این چیست؟
فرمود: سفری در پیش دارم که توشه آن را آماده کرده ام تا در جای امنی بگذارم.
گفتم: مقام شما بالاتر از این است که باری را حمل کنید. اجازه دهید غلام من به شما کمک کند.
امام اجازه ندادند.
گفتم: پس اجازه بدهید من خود این بار را حمل کنم.
فرمود: نه، من باری را که نجات دهنده من در سفرم است، از دوش خود بر نمی دارم. تو را به خدا قسم می دهم تا مرا رها کنی.»

من به سخن امام گوش دادم و ایشان را ترک کردم.
فردای آن روز ایشان را دیدم و گفتم ای فرزند رسول خدا می بینم شما به آن سفری که می گفتید نرفته اید.



يا صاحب الزمان

امام لبخندی زد و فرمود: منظورم از آن سفر، سفر مرگ بود که برای آن آماده می شوم.^۱

امام سجاد علیه السلام هر شب برای نیازمندان آذوقه و غذا می برد و این کار مداوم که به صورت شبانه آن را انجام می دادند، موجب شده بود شانه آن حضرت پینه بیند.

امام صادق (ع) درباره ی
صدقه دادن چه می فرماید؟
 (صدقه دادن موجب نجات از مرگ

امام صادق علیه السلام می فرماید:
 بد و رهایی از هفتاد نوع بلاست)

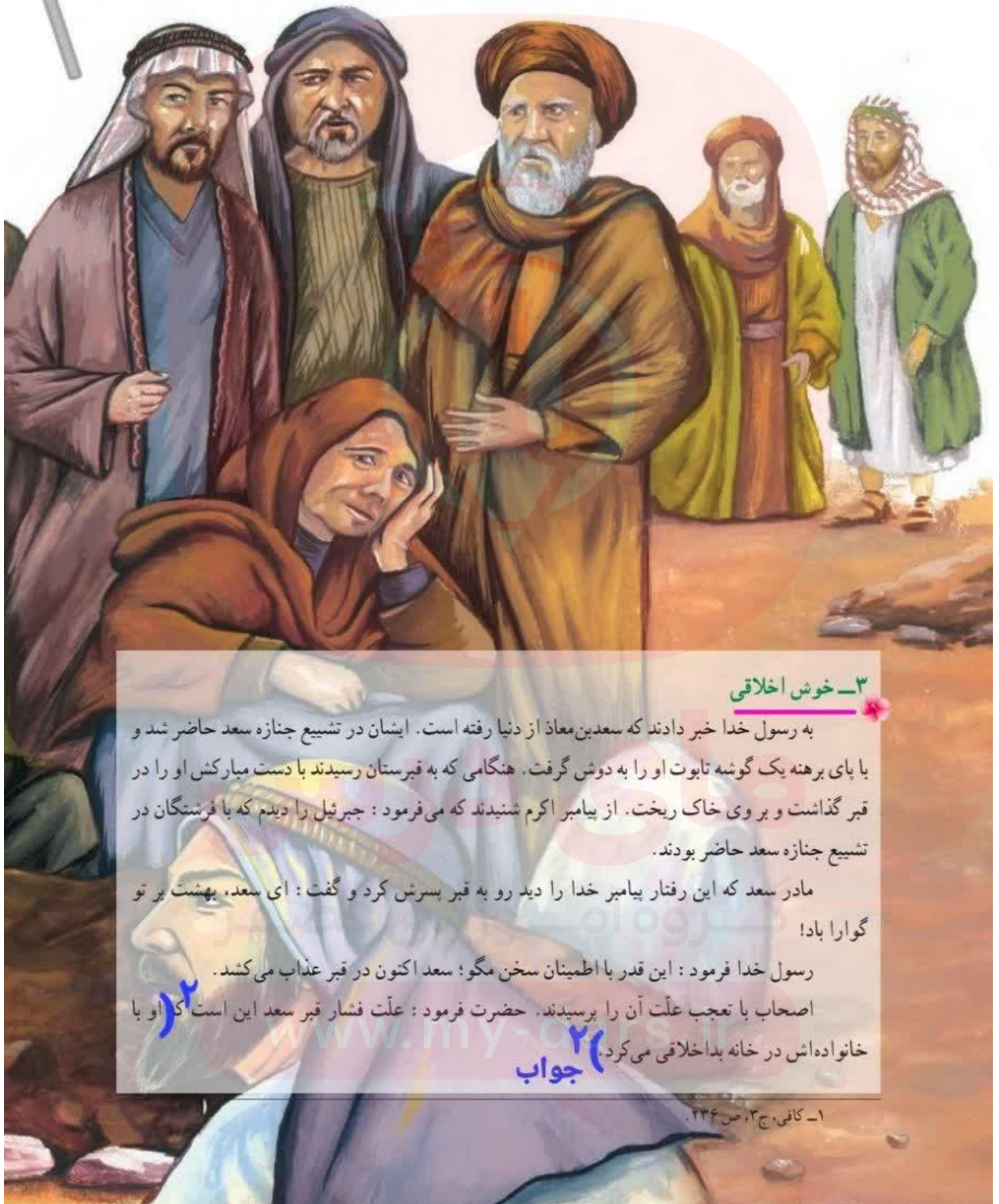
(البته باید توجه داشت که صدقه فقط مالی نیست و هر نوع کمک به

دیگران در راه خداوند، صدقه محسوب می شود.)

آیا صدقه دادن فقط مربوط به امور مالی می شود؟ توضیح دهید.

۱- بحار الانوار، ج ۴۶، صص ۶۶-۶۵. ۲- نواب الاعمال، ص ۷۰۱.

یا صاحبِ الزمان



۳- خوش اخلاقی

به رسول خدا خبر دادند که سعدین معاذ از دنیا رفته است. ایشان در تشییع جنازه سعد حاضر شد و با پای برهنه یک گوشه تابوت او را به دوش گرفت. هنگامی که به قبرستان رسیدند با دست مبارکش او را در قبر گذاشت و بروی خاک ریخت. از پیامبر اکرم شنیدند که می فرمود: جبرئیل را دیدم که با فرشتگان در تشییع جنازه سعد حاضر بودند.

مادر سعد که این رفتار پیامبر خدا را دید رو به قبر پسرش کرد و گفت: ای سعد، بهشت بر تو گوارا باد!

رسول خدا فرمود: این قدر با اطمینان سخن مگو! سعد اکنون در قبر عذاب می کشد. اصحاب با تعجب علت آن را پرسیدند. حضرت فرمود: علت فشار قبر سعد این است که او با خانواده اش در خانه بد اخلاقی می کرد.

جواب

فعالیت کلاسی

رفتار اشخاص بد اخلاق و خوش اخلاق را در هر یک از موارد زیر با هم مقایسه کنید :

خوش اخلاق : در حدّ توان به او کمک می کند.	فقیری از او کمک می خواهد.
بد اخلاق : او را با تندی از خود می راند.	
خوش اخلاق : با خوش رویی به او کمک می کند.	مادرش از او می خواهد در انجام کاری کمکش کند.
بد اخلاق : با تندی بهانه می آورد.	
خوش اخلاق : عذرخواهی او را قبول می کند.	کسی نسبت به او اشتباهی کرده و از او عذرخواهی می کند.
بد اخلاق : با تندی عذرخواهی او را رد می کند.	



آنچه در این درس خواندیم، بخشی از کارهای نیک هستند که باعث آسانی مرگ و زندگی پس از آن می شوند. البته کارهای نیک بسیاری وجود دارند که انجام آنها می تواند پاداش بزرگ خداوند را در هنگام رفتن از این جهان به دنبال داشته باشد. این کارها عبارتند از انجام آنچه خداوند به آنها دستور داده است و ترک هر چیزی که خداوند از انجام آن نهی کرده است.

از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: شما چگونه خود را برای مرگ آماده کرده اید، که از آن هراسی ندارید؟

امام علیه السلام فرمود:

(کسی که از گناهان بپرهیزد و به واجباتش عمل کند و خود را به اخلاق نیکو بیاراید، دیگر برایش فرقی ندارد چگونه بمیرد. به خدا قسم برای پسر ابوطالب فرقی ندارد که او به سراغ مرگ برود یا اینکه مرگ به سراغش آید.)

حضرت علی علیه السلام در پاسخ به اینکه چرا از مرگ هراسی ندارید چه فرمود؟

www.my-dars.ir

۱- انسان در دنیا فقیر و تهی دست نمی شود و دشواری های مرگ بر او آسان می شود.

نوروت را متفحص کن

- ۱- نیکی به پدر و مادر چه تأثیری بر زندگی ما در دنیا و آخرت دارد؟ **بلا**
 - ۲- علت آزار و فشار قبر سعد بن معاذ چه بود؟ **صفحه ۵۲**
 - ۳- دو مورد از آثار صدقه دادن را بنویسید. **پایین**
 - ۴- حضرت علی علیه السلام چگونه خود را برای مرگ آماده کرده بود که از آن هراسی نداشت؟
- ۳- با پرهیز از گناهان، انجام واجبات و داشتن اخلاق نیکو.**

۳- نجات یافتن از مرگ بد و رهایی از هفتاد نوع بلا.

بیشتر بدانیم

روزی حضرت عیسی علیه السلام از قبرستانی می گذشت. در کنار قبری صدای ناله صاحب قبر را شنید که به خاطر گناهانش در عذاب بود. عیسی علیه السلام به راه خود ادامه داد و از قبرستان گذشت. یک سال بعد اتفاقاً از همان مکان عبور می کرد که متوجه شد خبری از عذاب نیست و دیگر صدایی از قبر نمی آید. گفت: پروردگارا، بارسال که از اینجا می گذشتم، صاحب این قبر در عذاب بود ولی اکنون خبری از عذابش نیست. علت چیست؟
خداوند فرمود:

«این مرد فرزند صالحی داشت که اکنون بزرگ شده است. او در این مدت دو کار نیک انجام داده است، اول اینکه راه عبور مردم را که خراب شده بود، درست کرد و مشکل مردم را حل کرد؛ دوم اینکه به تازگی یتیمی را پناه داد. من به خاطر اعمال صالح این فرزند، پدرش را بخشیدم و او را از عذاب نجات دادم.»

حالا خودتان قضاوت کنید. آیا کسی که بعد از فوت پدر و مادرش برای آنها دعا می کند، قرآن می خواند و یا کارهای خیر دیگری را انجام می دهد با کسی که پس از مرگ والدینش آنها را فراموش کرده و حتی با کارهای بد آنان را آزار هم می دهد، مساوی هستند؟

پیشنهاد

فکر می کنید کسانی که از این دنیا رفته اند چه انتظاری از فرزندان خود دارند؟
برای پاسخ به این پرسش از پدر یا مادران کمک بگیرید و پاسخ را برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

www.my-dars.ir